

تحلیلی از دروغ/ کذب فریبکاری و خیانت است



دروغ هنگامی پدیدار می شود که وانمود می کنیم نظر خود را به دیگری می گوئیم؛ حال آنکه آن را نهان و خلاف آن را بیان می داریم و چون طرف مقابل به او اعتماد کرده و گفته ما را باور می کند، به او خیانت و از اعتمادش سو استفاده کرده ایم. بدین ترتیب هیچ دروغی از فریبکاری، تهی نیست.

خبرگزاری مهر- دروغ هنگامی پدیدار می شود که وانمود می کنیم نظر خود را به دیگری می گوئیم؛ حال آنکه آن را نهان و خلاف آن را بیان می داریم و چون طرف مقابل به او اعتماد کرده و گفته ما را باور می کند، به او خیانت و از اعتمادش سو استفاده کرده ایم. بدین ترتیب هیچ دروغی از فریبکاری، تهی نیست.

امیرالمومنین(ع) می فرماید: بزرگترین گناهان نزد خدا، زبان بسیار دروغگو است. دروغ به وسیله زبان وجود پیدا می کند و زبان یکی از علل وجودی دروغ است. اگر کسی دروغی بگوید این کار با زبانش انجام می گیرد. اگر زبانی بسیار دروغگو باشد، دارنده آن بسیار دروغ خواهد گفت.

هرگناهی با عضوی از اعضای انسان در خارج رخ می دهد و گناه را می توان به آن عضو نسبت داد. چون گناهکار گناه را به وسیله آن عضو انجام داده است. دست خیانتکار داشتن، یعنی دزد و خائن به مال بودن. چشم ناپاک داشتن، یعنی خائن به ناموس بودن. زبان دروغ گو داشتن، یعنی دروغ گو بودن. دروغ، سخن برخلاف حقیقت است و دروغگو کسی است که برخلاف حقیقت خبری می دهد. شما اگر گرسنه باشید و به منزل دوست خود بروید، او برای شما غذا بیاورد، شما بگویید من سیر هستم، این سخن دروغ است، چون برخلاف حقیقت است، شما نیز دروغگو هستید زیرا بر خلاف حقیقت خبر داده اید.

کم را بیش گفتن یا بیش را کم گفتن، دروغ است و گوینده اش دروغ گو می باشد، چنان که بود را نبود و یا نبود را بود خبر دادن دروغ گویی می باشد و نیز بد را خوب و خوب را بد یا کوچک را بزرگ و بزرگ را کوچک خواندن، دروغ خواهد بود.

دروغ از صفات سخن است و دروغ گویی از صفات سخن گو و این دو همیشه با هم یار نیستند. می شود سخنی دروغ باشد ولی گوینده اش دروغ گو نباشد، چنان که ممکن است کسی دروغ بگوید، ولی سخنش دروغ نباشد، بلکه راست و مطابق حقیقت باشد.

شما اگر به وقوع حادثه ای اطمینان پیدا کردید در صورتی که آن حادثه رخ نداده باشد هنگامی که از وقوع آن خبر می دهید، شما دروغگو نیستید، ولی خبر شما دروغ است. دروغگو اگر سخن راستی بگوید که از دید خودش برخلاف حقیقت باشد خبر او راست است، چون مطابق با واقع است، ولی خودش دروغ گفته، زیرا به نظر خودش برخلاف حقیقت، سخن گفته است.

در زبان عربی دروغ را کذب گویند و خبر دروغ را خبر کاذب می خوانند، چنان چه که خود دروغ گو را نیز کاذب می خوانند. پس در این زبان، کاذب بودن، هم صفت سخن می باشد، و هم صفت سخن گو و این اشتراک، ممکن است گاهی موجب اشتباه بشود و به گمان برسد که هر جا که خبر کاذب پیدا شود، خبردهنده هم باید کاذب باشد، یعنی صفت گفته را به گوینده سرایت بدهند.

نظام، دانشمند نامی قرن سوم در دروغ نظریه ای دارد؛ او می گوید: دروغ سخن برخلاف عقیده است، نه برخلاف واقع. نظام برای اثبات صحت نظریه اش به آیه 1 سوره منافقون استدلال می کند: خدا گواهی می کند که منافقان، دروغگو هستند. " منافقان به حضور رسول خدا(ص) می آمدند و عرضه می داشتند که ما گواهی می دهیم که تو رسول خدا هستی. خدا در این سوره مبارکه با پیغمبر خود سخن می گوید و منافقان را به او می شناساند. خدا می فرماید: وقتی که منافقان نزد تو آمدند و گفتند که ما شهادت می دهیم که تو رسول خدا هستی با آن که خدا می داند که تو رسول او هستی ولیکن بدان که منافقان دروغ می گویند.

اگر آیات قرآن را بکاویم و یا سخنان معصومان را درباره دروغ کنار یکدیگر بگذاریم دریافت عمیقی از ماهیت، کارکرد و آفات دروغ بدست می آوریم و روانشناسی شخص دروغگو را در می یابیم.

دروغ، یعنی فریفتن دیگری و خیانت به اعتماد او. دروغ هنگامی پدیدار می شود که وانمود می کنیم نظر خود را به دیگری می گوئیم؛ حال آنکه آن را نهان و خلاف آن را بیان می داریم و چون طرف مقابل به او اعتماد کرده و گفته ما را باور می کند، به او خیانت و از اعتمادش سو استفاده کرده ایم. بدین ترتیب هیچ دروغی از فریبکاری، تهی نیست.

بنابراین می توان گفت که در هر دروغی همواره دو عنصر وجود دارد: یکی اعتماد و دیگری سو استفاده از این اعتماد و خیانت به آن؛ از این رو اگر کسی به ما و سخن ما اعتماد نداشته باشد، گفته ما را باور نخواهد داشت و با دیده شک به آن خواهد نگریست. پس نخستین عنصر برای تحقق دروغ، وجود اعتماد مخاطب است. از این رو امام علی(ع) ماهیت دروغ را خیانت می دانست و بارها می

فرمود دروغ خیانت است و لگد مال کردن حق دیگران. دروغ خارج از فطرت بشری است. انسان ماهیتاً راست گو و حقیقت طلب می باشد.